



● ترجمه‌ی فرزانه شهفر

تنهایی بزرگ در لحظه‌ی دیدن

آشنایی با شاعر فرانسوی

ژود استفان

Jude Stefan



ژود استفان در ۱۹۳۰ متولد شد. قبل از این که استاد ادبیات کلاسیک شود در رشته‌های حقوق، فلسفه و ادبیات تحصیل کرد. از ۱۹۵۴ دست به نگارش زد ولی آثارش از سال ۱۹۶۵ به بعد منتشر شدند. تلاش می‌کند تا به اشعار تغزلی [Iyrisme] طراوت و تازگی ببخشد ولی این آثار گاه اروتیک و دلگزا از آب درمی‌آیند. زبان او تحریک آمیز، مصنوعی و خشن به نظر می‌رسد. از یک سو از فرم‌های موجود معاصر استفاده می‌کند و از سویی با ویران سازی ساختار قدیم شعر، رابطه‌ای جدید بین عروض و گرامر به وجود می‌آورد؛ به این ترتیب آمیزه‌ای از سبک قدیم و مدرن در آثارش آشکار می‌شود. تم‌های غالب در آثار او «دلوپسی»، «تنهایی»، «مرگ» و جستجو برای «فراموش نشدن» است.

احساس استفان نسبت به «پاکی و خلوص» عمیق و ریشه دار جلوه می‌کند و شعرش همواره به کمبود این مایه در زندگانی بشر اشاره دارد. اسطوره‌ها نزد شاعر نقشی اساسی دارند و گاه اشعار او از چشمه سار کهن و شاعران باروک می‌نوشند. شاعر خارج از هر نوع چشم انداز ایده آلیستی به سر می‌برد و در نظرش «نامیدی تن» که به شعر تبدیل می‌شود شاید تنها شکل عظمت انسان است. برخی از مجموعه‌های اشعارش

عبارتند از سرو، آهنگ‌های اسلاو، و در پارک قدیمی. در زمینه‌ی داستان و مقاله نیز می‌توان به کتاب‌های «ترک» و «گفتگوی تمثیل‌ها» اشاره نمود.
ژود استفان یک نام مستعار است. ژود از کتاب «ژود گمنام» نوشته‌ی توماس هاردی و استفان از نام یکی از قهرمان‌های کتاب جویس که توسط شاعر ترکیب شده است.

تخت

در اقامتگاهم سه تخت آرمیده اند
تختِ موت که رهایی می‌دهد
تختِ مرض که تیمارتان می‌کرد
تختِ انزوا که آن جایی می‌برید اتاقِ از یاد رفته
بسته می‌ماند تا آن دم که آخر عاقبت شما
تسلیم کتاب مقدس می‌گردد؛ حقیقت
چیزی بر خاک و خاکستر نیست
زندگی جز جنون امانتی به ما نداد
هنر چیزی نیست جز تنهایی بزرگ
در لحظه‌ی دیدن
با هوس هر اسیده
چنان که فریبی در کار است
ای اندوه خشکیده در چشمانت
آبی است که رستگارم می‌کند
آن قدر مهربانی نمی‌پاید
در نصف النهار به نواز شگری
عشق زمان را می‌دزدد
اما غیاب آن را می‌نکوهد
در بهشت در این یکشنبه
بیرون از زمان و ملال می‌کاهد
گل‌های انگشترانه و سنبل طیب را
بر سطح رودخانه مرغابیان
و گز نه‌های آسیب رسان
اما نامه‌ای و ماده سگی منتظرم هستند
در سایه روشنی که
دل‌م هوای شما را می‌کند.



باید نشسته نوشت
 اما در گودالی
 تازه کنده شده در خاک
 در گودنای قریه ای
 گودالی در تیره بختی
 که ناگهان فاش می کند
 فرسایش روزگاران و حیرانی را
 فرو افتاده در گود ماه اوت
 آن جا که همه چیز را کد می ماند
 و نسیانی
 که بچگی را از پنجره انکار می کند
 مردگان لهیده زیر لوح مرمرشان می مانند
 آن جا شبح شبگردی نیست مگر در خاطره



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 رتال جامع علوم انسانی

بندر تریبست

محبوب ترین می خواند
 این کلامی که جان ها را می آمیزد به هم
 پیراهن ابریشم یشمی
 انگشت بر پیشانی
 پیچک هاله ی نور
 زلف بافته ، نواز شگر گردن :
 « چرا گل های رز چنین زود پژمردند
 بنفشه ها افسردند
 چرا ابرها و فراموشی
 چرا آسمان این همه سرد »
 مادر آواز می خواند

سگ و خدمتکار گوش می دادند
پدر رفته تا بگرید
دوستان و دخترکان به هم نگاه نمی کنند
دختر بزرگ تر خود را می کشد
پسر خواهد نوشت

عکاسی

و اینک پدر
جلیقه نمد نرم
پوشت سیگار
گره
حلقه
پاپیون
سیل
بیچه
خواهر
کلاه بره
سنجاق مو

و مادر دامن و طره های موزیر

صنوبر جنوبی

میان علف های هرز

در یکشنبه ای مرطوب بین دو جنگ

در آن روزگار

«پان هارد» راه می افتاد با هندل

۱۹۳۰

فرشته ی آبی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

رخت شوی خانه

شاعر گنگ می خواهد هم
واره او را دوست بدارد تمامی روزها
او را در کنار خود داشته باشد روزانه
در رخت شوی خانه

آن جا که آب پاهایشان را می شوید

آرام اردک ها می گذرند شبانه

بی آن که ببینندشان

در سایه ای یکپارچه

در گوشه ی یکدیگر را صدا می زنند

دست هایشان یکدیگر را می جویند

و پوست را بوسه می دهند

باد بر در می کوبد

مجنوب درهم تنیده حیران در دل شب

همان جا که پیشترها رخت شوی چمباتمه می زد

بالای طشت کو چکش

سیلابی دیگر و نسیانی مقدر

عقب گرد بی ترحم صخره ها

از کتاب های شعر Cypri (سود) ۱۹۶۷، Idylle (عاشقی ها) ۱۹۷۳،
Vieille Pasque Ala، Sciten Sloves (آهنگ های اسلاو) ۱۹۸۳،
Slpode (***) ۱۹۹۳، در Slegiade (*) ۱۹۹۳،
در ۱۹۹۹ و همچنین در داستان ها و مقالاتی مانند La cevaison (ترک) و
Dialogues ds figues (گفتگوهای تمثیل ها) به ما نشان می دهد که سعی
در تازه کردن Lyisne است. او از طرفی همه فرم های موجود معاصر را
می گیرد و از طرف دیگر ساختار Vess را توسط به وجود آوردن رابطه جدید
بین Metsique (عروض) و Seyntaxe (گرامر) خراب می کند. زبان JS
تحریک آمیز، «نوعی قدیمی»، مصنوعی و خشن است. ماده تغذیه ای خود
را نزد شاعران قدیم، شاعران باروک و Rallasne به دست می آورد. Lyrisne
او enotigve و زنده است و بین سبک های قدیم و مدرن قرار دارد. آثاری
هستند استثنایی که «دروغ گفتن راستی» و «شعر داستانی را» پایه قرار داده و
یک زندگی نامه اختراعی (تخیلی) با شجره نامه ها، شخصیت های افسانه ای
و تصاویر ساختگی از خواهر و مادر که ریشه در شرق دارند برای خود
می سازد. آثارش وقایع نامه ای از تنهایی، نگرانی، جستجوی «نافراموشی»
که همه در نشانه ها و نام ها مشخص است. همه سرشار از احساس عمیق و
همیشگی کمبود پاکی است که در تم های روابط نامشروع جنسی و
فاحشه خانه ها به چشم می خورد. او می پرسد: «عذر تو چه خواهد بود ای
زندگی کثیف» و آثارش شاید جواب این سؤال را می دهند: در شعر که «تن
عاشقانه زبان فرانسه است» جواب در مقابل شکست تن، نگرانی از بین رفتن
و مرگ. اشعار JS به نحوی انقلاب Baudelain را تکمیل می کند. او بیرون
از هر نوع چشم انداز ایده آلیستی قرار دارد. از نظر او «نامیدی» تن (chaine
La) که به شعر تبدیل می شود شاید تنها فرم عظمت ماست.
* Slegiades از حزینه Slesie می آید. اشعار حزن آور ولی پس وند Iade
آن را به طنز می کشاند.

** Rpldes، نوعی فرم شعر یونانی (قدیم).

